

چالش‌های تدوین رشته‌های جدید دانشگاهی^۱

منصوره قضاوی^۲

احمدرضا نصر^۳

سید ابراهیم میرشاه جعفری^۴

نعمت الله موسی پوره^۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۱/۲۴

چکیده

اطمینان از کیفیت مطلوب عملکرد فرآیند ایجاد رشته‌های دانشگاهی مهمترین مؤلفه برای ادامه حیات هر سازمان است. شناسایی چالش‌های این فرآیند یکی از راههای مهم برای تضمین کیفیت است. هدف این پژوهش شناسایی چالش‌های تدوین رشته‌های جدید در دانشگاه‌های ایران بود. بدین منظور در پژوهش کیفی حاضر، براساس روش نمونه گیری هدفمند، با اعضای هیئت‌علمی تدوین کننده رشته در دانشگاه‌های دولتی اصفهان، تهران و فردوسی مشهد که دارای سابقه، تجربه و علاقه بودند، در سال ۱۳۹۳ مصاحبه‌ی عمیق به عمل آمد. همه مصاحبه‌ها ضبط، پیاده و تایپ شد. سپس در نرم افزار مکس کیو دا وارد و کدگذاری، طبقه‌بندی و توصیف گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش نظریه زمینه‌ای استفاده شد. پس از مصاحبه با ۲۲ نفر از اعضای هیئت‌علمی با تجربه در زمینه تدوین رشته، غنای اطلاعات، اشباع نظری و تکرار داده‌ها حاصل شد. ۱۱۳ کد از داده‌های تحقیق استخراج گردید که

^۱ این مقاله برگرفته از پایان نامه دکتری دانشگاه اصفهان رشته برنامه ریزی درسی است.

^۲ دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان

^۳ استاد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان و نویسنده مسئول

^۴ استاد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان

^۵ دانشیار دانشگاه فرهنگیان

در دو طبقه اصلی و پنج زیر طبقه با عنوان چالش‌های کاربردی (ساختاری، مدیریتی و مالی) و کاربردی (علمی - حرفه‌ای و بین رشته‌ای) دسته بندی شدند. نتایج تحقیق بیانگر چالش‌هایی در فرآیند تدوین رشته‌های دانشگاهی است که این ضعف و چالش‌ها می‌تواند یک مانع مهم در رشد و توسعه رشته‌های دانشگاهی محسوب شود که با ارائه راهکارهای مناسب می‌توان آنها را مرتفع نمود.

واژگان کلیدی:

تدوین رشته، چالش‌ها، تحقیق کیفی، نظریه زمینه‌ای مقدمه و بیان مسئله

مقدمه

رشته‌های علمی شاخه‌ای خاص از یادگیری یا مجموعه‌ای از دانش خاص است که فعالیت‌های تحقیقاتی علمی و یافته‌های حاصل از آن علم را شامل شده و به عنوان ساختارهای سازمان یافته در چارچوب دانشگاه عمل می‌کنند (Davies and Delvin^۱، ۲۰۰۶؛ Morin^۲، ۱۹۹۴). این ساختارها یک شبکه اجتماعی و شناختی را برای ارتقای دانش فراهم نموده‌اند. در این مجموعه تعدادی از اساتید برای کشف، فهم و توسعه دانش جدید با فعالیت‌های علمی، پژوهشی و فکری خود، به حضور یگدیگر مشروعیت می‌بخشند تا با تدوین رشته‌های علمی، انتقال و توسعه دانش از یک گروه به گروه دیگر را امکان پذیر سازند (Squires^۳، ۱۹۷۵؛ Weingart and Stehr^۴، ۲۰۰۰؛ Thurab- Nkosi and Marshall^۵).

از آنجا که تغییر و نوآوری مهم‌ترین ویژگی عصر حاضر است. همزمان با جهانی شدن، فشار روزافزونی بر دانشگاه‌ها وارد شده است. به گونه‌ای که آنها با حرکت به سمت تحولات علمی، خواهان بهره‌گیری از دانش جدید هستند (Thurab Nkosi و Marshall^۶، ۲۰۰۹) لذا تلاش می‌کنند تا با استفاده از دانش تولید شده در قالب دروس و رشته‌های علمی جدید و انتقال آن به دانشجویان و کاربردی شدن و توسعه و تعمیق آن بتوانند تعادل بین آموزش عالی و جامعه را فراهم نمایند (نصر، مونیدز و کامرون، ۱۳۹۱) زیرا اعتقاد به نجات بخشی علم در رفع نیازهای ثابت جامعه و برخورداری از انعطاف لازم برای همسویی با شرایط متغیر جامعه از دیر باز انتظارات خاصی را برای آموزش عالی ایجاد کرده است. بنابراین آموزش عالی باید به عنوان مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر جامعه، از طریق تدوین رشته‌های دانشگاهی مورد نیاز طلایه دار این تحولات در عرصه‌های علمی، پژوهشی و خدماتی باشد.

حقیقت قابل توجه در متون آموزش عالی آن است که علی‌رغم سابقه‌ی نه چندان طولانی واژه «برنامه‌ی درسی در آموزش عالی»، حیات و تداوم دانشگاه‌ها با مؤلفه‌ی طراحی برنامه‌ی درسی گره خورده است زیرا دانشگاه‌ها ناگزیر از طراحی و اجرای دوره‌های تحصیلی و برنامه‌های اثربخش برای جذب دانشجو و نیز انعکاس یافته‌های خود در قالب برنامه‌های

¹ Davies and Delvin

² Morin

³ Squires

⁴ Weingart and Stehr

⁵ Thurab- Nkosi and Marshall

درسی هستند (هیکز^۱، ۲۰۰۷؛ گلدفینک^۲، ۲۰۰۸). این امر سبب شده، تا دانش عملی یا نحوه و فن تدوین برنامه درسی در قلمروهای مختلف و رشته‌های گوناگون آموزش عالی توسعه یابد. از این‌رو تدوین و توسعه رشته‌های دانشگاهی زیربنای توسعه سایر بخش‌ها خواهد بود و نیروی انسانی متخصص موردنیاز بخش‌های مختلف، توسط آن تربیت می‌شود (نصر، اعتمادی زاده و نیلی، ۱۳۹۰). بنابراین اطمینان از کیفیت مطلوب عملکرد فرآیند تدوین رشته به منظور جلوگیری از هدر رفتن سرمایه‌های مادی و انسانی و نیز داشتن توانایی رقابت در دنیای آینده که در آن کیفیت، مهم‌ترین مؤلفه برای ادامه حیات هر سازمان باشد، ضرورتی انکارناپذیر است.

یکی از راه‌های مهم برای ارتقای کیفیت فرآیند مذکور، توجه به چالش‌های تدوین رشته است. اگرچه چالش^۳ در نزد متخصصان معانی متفاوتی دارد اما در سازمان‌های آموزشی، چالش به معنی فعالیت‌هایی است که انجام آن‌ها نیاز به عملکرد و شرایطی دارد که سازمان قادر آن است (کافمن و هرمن، ۱۳۸۲). بنابراین چالش‌های تدوین رشته‌های دانشگاهی را می‌توان مشکلات و مسائل ذهنی و عینی، داخلی و خارجی دانست که حرکت متعادل فرآیند ایجاد رشته‌ها را کند یا متوقف می‌سازد و این امر مستلزم تلاش و تدبیر عالمانه برای چاره‌اندیشی است. بر این اساس، شناسایی چالش‌های تدوین رشته‌های دانشگاهی به عنوان ضرورتی مطرح است که تدوین‌کنندگان با شناخت، آگاهی و مدیریت آن‌ها می‌توانند تهدیدها را به فرصت‌هایی تبدیل نموده و برای پیشبرد اهداف آموزش عالی از آن استفاده نمایند و این نکته‌ای است که باید برنامه‌ریزان درسی، سیاست‌مداران و دولتمردان با حساسیت فراوان بدان توجه نمایند.

بیان مسئله

گسترش مرزهای دانش و تأثیر تحولات علمی جهان بر تغییر نیازهای آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌های ایران در دهه‌ی اخیر، ضرورت تدوین رشته‌های جدید را مطرح نمود. به گونه‌ای که اعلام و اجرای بخشنامه ۱۰۸۹ / ۲/۱۰ آیین‌نامه واگذاری اختیارات برنامه‌ریزی درسی به دانشگاه‌های دارای هیئت ممیزه، نمودی رسمی از این تغییرات است که ضرورت

¹ Hicks

² Goldfinck

³ challenge

حرکت به سمت تمرکز زدایی در فرآیند تدوین رشته را به عنوان یکی از محورهای اصلی آموزش عالی و فعالیت‌های اجرایی دانشگاهها معرفی نموده که در سال‌های اخیر به اجرای آن پرداخته‌اند. بی‌گمان تحقیق و موفقیت در این اقدام علمی مستلزم اصلاحاتی است که، شناسایی چالش‌ها و موانع موجود در این فرآیند یکی از مهم‌ترین آن‌هاست، لذا پژوهش حاضر در صدد فهم و شناسایی "چالش‌ها و موانع" موجود در فرآیند تدوین رشته در دانشگاه‌های ایران است.

به استناد مفاد تبصره ماده ۱۵ برنامه توسعه پنجم، آموزش عالی بر اساس قوانین، عهده‌دار سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه آموزش عالی است، لذا در صورتی که رشته سازی و فرآیند ایجاد رشته در دانشگاهی موفقیت‌آمیز باشد این امر موجب ارتقا و اعتباربخشی آن دانشگاه می‌شود (جیکاب و لوکیک، ۲۰۰۵). بر این اساس، اگر قرار است ساختار و روند مناسبی برای تدوین رشته‌های دانشگاهی برقرار گردد. باید، تعهد نسبت به بهبود مستمر فرآیندهای آموزشی و ایجاد و توسعه رشته‌ها تکلیفی مهم محسوب شود تا بتواند مسیر این فرآیند را به سمتی هدایت کند که طراحی، تدوین و اجرای برنامه‌درسی رشته‌های جدید تسهیل گردد (شریف، ۱۳۹۰، بورتن و میدل وود^۱، ۲۰۰۱)،

در ایران به دلیل تأکید مسئولان محترم کشور، به‌ویژه مقام معظم رهبری در خصوص لزوم رشد شتابان علم و کسب جایگاه برتر در منطقه، ضرورت توجه به سرعت تغییرات، لزوم هماهنگی و حرکت بر لبه علم (قدیمی و محمدی نژاد، ۱۳۹۰)، افزایش تعداد دانشجویان تحصیلات تکمیلی در سال‌های اخیر و بر اساس برنامه‌های کلان کشور و تأکید اسناد بالادستی (ماده ۴۶ برنامه چهارم توسعه؛ ماده ۱۵ برنامه پنجم توسعه؛ بند ۴-۲ از نقشه جامع علمی کشور) تدوین رشته‌ها اهمیت بالا و روندی رو به رشد داشته است. از طرف دیگر، تدوین رشته‌های جدید برای دانشگاه‌ها به علت تأثیر آن در افزایش اعتبار دانشگاه، تربیت نیروی متخصص و پرورش اعضای هیئت‌علمی، اهمیت خاصی دارد. بنابراین ضرورت شناسایی چالش‌ها و موانعی که در مراحل مختلف ایجاد رشته فارروی دانشگاه‌هاست و نبود پژوهش در این زمینه، محقق را بر آن داشت تا با بررسی نظرات اعضای هیئت‌علمی درگیر در فرآیند تدوین رشته، این چالش‌ها شناسایی شوند. زیرا شناسایی و تحلیل چالش‌های موجود در مسیر این فرآیند، زمینه‌ساز ارائه راهکارهایی برای خروج از این چالش‌هاست که از طریق آن‌ها

تدوین رشته‌های ضروری و پاسخ‌گو بر مبنای نیازسنجی‌های واقع‌بینانه، انطباق رشته‌های جدید و برنامه‌درسی آن با نیازهای دانشجویان و بازار کار (نصر، اعتمادی زاده و نیلی، ۱۳۸۷؛ شادر، ۱۳۸۶، نگارد، حوجلت و هرمانس^۱، ۲۰۰۸)، بهبود کمیت و کیفیت برنامه‌درسی، مشارکتی شدن فرآیند تدوین برنامه‌درسی و پاسخ‌گو بودن برنامه‌درسی رشته‌های جدید عملیاتی خواهد شد.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

از دیاد دانش و رشد سریع علم در قرن حاضر سبب شده، تا دانش عملی و نحوه تدوین برنامه‌های درسی در قلمروهای مختلف و رشته‌های جدید و گوناگون آموزش عالی توسعه یابد و نظر متخصصانی چون درسل، توهی، دایاموند، استارک و لاتوکا و دیگران را به خود جلب نماید تا درز مینه‌ی تدوین و طراحی برنامه‌ی درسی آموزش عالی در سطوح مختلف درس، برنامه و یا رشته جدید و دوره تحصیلی به مطالعه و پژوهش بپردازند.

در این راستا درسل (۱۹۹۸) در الگوی خود ضمن توجه به چهار عنصر برنامه‌ی درسی تأکید نمود. مبانی فلسفی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقتصادی، مدیریتی مرتبط با تشکیلات دانشکده و برنامه‌ریزی تسهیلات برای اجرای برنامه‌ی درسی به عنوان یک منطق روش در تمام موقعیت‌های موجود برای فعالیت‌های تدوین برنامه‌ی درسی باید اعمال شود (فتحی و اجارگاه، موسی پور و یادگارزاده، ۱۳۹۳). توهی (۲۰۰۰) نیز با تأکید بر نیازهای محلی جامعه، نیازهای دانشجویان، علاقه و تمایل به تجربه دانش جدید و دوام و بقا گروه آموزشی، به نیازسنجی و تعیین ویژگی‌های دانشجویان مزید بر چهار عنصر اصلی توجه نموده است. دایاموند (۲۰۰۰) دو مرحله بنیادی، انتخاب و طراحی برنامه و تولید، کاربست و اجرای آن را تشریح کرده است. استارک و لاتوکا (۲۰۱۱) این روند و برنامه‌ی درسی آن را یک طرح علمی می‌دانند که مبتنی بر فرآیند برنامه‌ریزی فکورانه‌ای است که در آن عناصر هشتگانه برنامه‌ی درسی بررسی می‌شوند.

با بررسی نظرات مطرح در زمینه تدوین مشخص شد محور اساسی این نظریه‌ها را، توجه عمیق به فعالیت‌های مربوط به فرآیند برنامه‌ی درسی و فرآیندهای عقلانی متعاملی تشکیل داده

¹ Nggaard, Hojlt & Hermansen

است که دانشجویان در راستای آموزش یک رشته تحصیلی با آن مواجه‌اند. اصولاً در کشور ما نیز هر رشته جدید با یک جهت گیری اجتماعی، فلسفی، روانشناسی و سیاسی شروع می‌شود سپس بر مبنای آن جهت گیری، اهداف، برنامه‌ی درسی و معیارهای آن رشته تعیین می‌گردد. بنابراین در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت تدوین یک رشته و برنامه‌ی درسی آن دارای دو بعد بنیادی و ساختاری است.

مطالعات به عمل آمده نیز بر این نکته تأکیددارند که، چون بهترین سازمان‌های دنیا، توسعه و تغییر سازمانی را به عنوان وظیفه اصلی سازمان توصیف نموده‌اند^۱ بنابراین دانشگاه در عصر جدید به عنوان یکی از مهم‌ترین سازمان‌های آموزشی تأثیرگذار برای توسعه سازمانی از طریق تدوین و راه اندازی رشته‌های جدید با مسائل و چالش‌های گوناگونی روبرو شده است که می‌تواند تأثیرات سویی بر کیفیت دانشگاه و آموزش عالی و کاهش کارایی جامعه داشته باشد. به گونه‌ای که مهر‌محمدی و همکاران (۱۳۸۸) از تغییر و تحولات سریع اجتماعی، تورن^۲ (۲۰۰۵) از عدم هماهنگی بین نیازهای دانشجویان و بازار کار و نایبرگ^۳ (۲۰۰۳) در پژوهشی از آزادی علمی، استقلال دانشگاهی و نظام بودجه‌ریزی به عنوان چالش جدی آموزش عالی نام برده‌اند.

ذکر صالحی (۱۳۸۳) به سه چالش کمیتی، کیفیتی و مالی در آموزش عالی توجه نموده است. مهر‌محمدی، احمدی و موسی‌پور (۱۳۹۰) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که نظام برنامه‌ریزی درسی با چالش‌های حرفه‌ای، پژوهشی، هویتی، تکنولوژیکی، اقتصادی، تشکیلاتی و نگرشی روبرو شده است. اشوین (۲۰۰۶) به ضعف دانش اعضای هیئت‌علمی به عنوان چالش دانشگاه‌های انگلیس تأکید نموده و خود نوسازی حرفه‌ای آن‌ها را راهکار خروج از آن می‌داند. اوهان و لیکانن^۴ (۲۰۰۹) در پژوهشی چالش‌های تدوین رشته‌های جدید را در فنلاند به دو دسته اساسی و ساختاری تقسیم نموده است. استارک و لاتوکا (۱۹۹۳) نیز به این نتیجه رسیدند که سه چالش، ترکیب دیدگاه‌های متنوع، افزایش ارتباط و مواجهه با انتظارات متضاد، توسط گروه‌های خارجی به دانشگاه وارد شده است که این امر گسترش برنامه درسی دانشگاهی را به دنبال داشته است.

1. Torin

2. Nyborg

3 Ahonen & Liikanen

ضعف در تدوین برنامه ریزی درسی رشته‌ها، یکی دیگر از چالش‌های است. در این راستا سیحانی نژاد، رهنما و شاه حسینی (۱۳۹۰) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که، نبود ساختار تشکیلاتی مناسب دانشگاهی، عدم انگیزه شخصی، عدم وجود سازوکار تأمین مالی و اعتباری مناسب دانشگاهی و نبود توانمندی تخصصی برنامه‌ریزی درسی اعضای هیئت‌علمی، به ترتیب مهم‌ترین چالش می‌باشند. حاتمی (۱۳۸۸) طی پژوهشی کیفی و مصاحبه با استادان ۱۵ رشته دانشگاهی به این نتیجه رسید که چالش‌های محیطی و بومی، سیاسی و ایدئولوژیکی، اجتماعی و فرهنگی و وابستگی کامل رشته‌های علوم انسانی به نهادهای سیاست‌گذار در حال حاضر بیشترین نمود را در رشته‌های دانشگاهی دارند. امیریان زاده و شفیع زاده (۱۳۹۱) از تغییر هرم جنسیتی، معنویت در دانشگاه، پاسخ‌گو کردن دانشگاه‌ها، آزادی علمی و استقلال دانشگاهی به عنوان چالش‌های مسترک جهان و ایران نام برده‌اند.

هدف و سؤال‌های پژوهش

هدف اصلی مطالعه حاضر، فهم و شناسایی "چالش‌ها و موانع" موجود در فرآیند تدوین رشته در دانشگاه‌های ایران است. به منظور تحقیق این هدف سه سؤال ذیل مورد بررسی قرار گرفت:

۱. چه چالش‌هایی تدوین رشته‌های جدید دانشگاهی را تهدید می‌کند؟
۲. هر چالش چه مؤلفه‌هایی را شامل می‌شود؟
۳. اولویت‌بندی چالش‌های تدوین رشته‌های دانشگاهی بر اساس نظر اعضای هیئت‌علمی چگونه است؟

روش تحقیق

به منظور شناسایی و ارائهٔ تصویری عمیق و روشن از چالش‌های تدوین رشته‌های دانشگاهی در این پژوهش، از روش نظریه زمینه‌ای^۱ بهره گرفته شد که نوع خاصی از پژوهش کیفی است. داده‌های حاصله با استفاده از مصاحبه عمیق جمع‌آوری شد. مصاحبه‌ها به صورت رودرزو، انفرادی و در مکانی مناسب انجام گرفت. قبل از شروع مصاحبه، فرم رضایت آگاهانه کسب اجازه برای ضبط و محرومانه ماندن نام و محتوای مصاحبه در اختیار آن‌ها قرار گرفت.

1 Grounded theory

مدت زمان هر مصاحبه بین پنجاه تا شصت دقیقه بود. مصاحبه با سؤال کلی آغاز و بر اساس پاسخها هدایت گردید. محور سؤال‌ها نظر و تجربه‌ی اعضای هیئت‌علمی درباره چالش‌های موجود در فرآیند تدوین رشته بود. ابتدا یک سؤال کلی پرسیده شد که "درزمنه‌ی تدوین رشته چه تجربیاتی دارید؟ در انجام این فرآیند با چه موانع و چالش‌هایی برخورد نمودید؟" ضمن توجه به پاسخ‌ها، از سؤال‌های پیگیر نیز استفاده شد.

پس از انجام هر مصاحبه متن گفتگوها، پیاده سازی و چندین بار مرور شد. آنگاه متن تایپ شده به نرم افزار مکس کیو دا وارد و کدگذاری داده‌ها توسط این ترم افزار انجام گرفت. با انجام مصاحبه دوم علاوه بر کدگذاری، طبقه‌بندی کدها نیز انجام گرفت. بعد از ۲۲ مصاحبه، به دلیل اشباع داده‌ها جمع‌آوری اطلاعات خاتمه یافت. مطالب گردآوری شده حاصل از مصاحبه‌ها، در قالب سه مرحله کدگذاری باز^۱، محوری^۲ و انتخابی^۳ تحلیل شد. به گونه‌ای که، با خواندن خط به خط داده‌ها، استخراج مفاهیم و تشکیل مقوله‌های اولیه ۱۱۳ کد باز به دست آمد. در کدگذاری محوری که، فرایند مرتبط کردن مقوله‌های فرعی به مقوله‌های اصلی‌تر، طبقه‌بندی داده‌ها و مشخص نمودن زیر طبقه‌ها است، به مفاهیم مشابه به دست آمده از جدول کدگذاری باز، عنوانی داده شد یعنی ۱۱۳ کد باز در ۵ مقوله‌ی چالش‌های علمی، بین رشته‌ای، ساختاری، مدیریتی و مالی قرار گرفت. در کدگذاری گرینشی بعد از تولید چند مقوله سطح بالا محقق نیازمند تشخیص مفهوم کلیدی^۴ به عنوان مقوله مرکزی یا هسته‌ای^۵ است (گلیزر، ۲۰۰۱). در این تحقیق، بعد از چندین بار مطالعه و رفت و برگشت‌هایی میان مفاهیم و مقوله‌ها، مشخص شد مقوله‌ی "چالش‌های بنیادی و کاربردی" بیشتر در داده‌ها نمایان است لذا به عنوان مقوله هسته‌ای انتخاب شد که نتایج در شکل شماره ۱ نشان داده شده است.

جامعه مورد بررسی این پژوهش را اعضای هیئت‌علمی تدوین‌کننده رشته در دانشگاه‌های دولتی اصفهان، تهران و فردوسی مشهد تشکیل داد. برای انتخاب مشارکت کنندگان با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند^۶، اعضای هیئت‌علمی دارای سابقه و تجربه حدائق تدوین یک

1 Open coding

2 Axial coding

3 Selective coding

4 Key Concept

5 Core Category

6 Purposive sampling

رشته مورد مصاحبه قرار گرفتند. در نهایت با استفاده از معیار اشباع نظری^۱ و رسیدن محقق به این نتیجه که انجام مصاحبه بعدی صرفاً تکرار اطلاعات قبلی است، گردآوری اطلاعات متوقف شد (کاول و برینک من^۲; گال، بورگ و گال، ۱۳۸۳). در مجموع، تعداد ۲۲ نفر (۲ زن و ۲۰ مرد) از اعضای هیئت‌علمی تدوین‌کننده رشته با مدرک دکتری تخصصی دارای متوسط ۱۹ سال سابقه خدمت و ۸ سال تجربه تدوین رشته، با مرتبه استادیار (۸ نفر)، دانشیار (۹ نفر) و استاد (۵ نفر) از سه دانشگاه مذکور در این مطالعه شرکت داشتند که موجب رسیدن به غنای اطلاعاتی و تکرار داده‌ها شدند. برای حصول اطمینان از اعتبار داده‌ها و نتایج پنج اقدام اساسی، پیاده‌سازی داده‌ها توسط دو نفر مختلف؛ کدگذاری، مقوله‌بندی و نام‌گذاری هم‌زمان پنج مصاحبه توسط یک همتای دیگر؛ مقایسه‌های تحلیلی^۳، استفاده از تکنیک ممیزی^۴ و کنترل یا اعتباریابی توسط اعضا^۵ (پاتون^۶؛ ۲۰۰۱؛ سیلورمن^۷؛ ۲۰۰۵) انجام گرفت.

یافته‌ها

سؤال‌های اول و دوم: چه چالش‌هایی تدوین رشته‌های جدید دانشگاهی را تهدید می‌کند؟
مؤلفه‌های هر چالش کدام هستند؟

هدف این مطالعه شناسایی چالش‌های تدوین رشته‌های جدید دانشگاهی بود. بنابراین پس از استخراج و کدگذاری اطلاعات مربوط به کشف و تفسیر چالش‌ها، در مرحله کدگذاری باز ۱۱۳ مفهوم استخراج شد که تحت پنج مقوله عمده چالش‌های، "علمی- حرفة‌ای، بین‌رشته‌ای، ساختاری، مدیریتی و مالی" دسته‌بندی شد و در شکل شماره ۱ در نقشه مفهومی آمده است. این مقوله‌های پنج گانه در مرحله کدگذاری گرینشی منجر به استخراج مقوله هسته‌ای تحت عنوان "چالش‌های بنیادی و کارکردي تدوين رشته" شد. در جدول شماره ۱ نحوه‌ی کدگذاری و دسته‌بندی مقوله‌ها که در خلال خرده تحلیل^۸ مصاحبه‌ها استخراج شدند، ارائه شده است. در ادامه توضیحاتی پیرامون هر یک از چالش‌ها و مؤلفه‌های آن‌ها ارائه می‌گردد:

1 Theoretical saturation

2 Kval and Brinckman

3 Analytical Comparison

4 Auditing

5 Member Check

6 Patton

7 Silverman

8 Microanalysis

الف. چالش های بنیادی: چالش هایی که استادان بر اساس تجارب و دیدگاه های خود در این طبقه مطرح کردند در دو زیر مقوله یا طبقه فرعی به شرح ذیل است:

۱. چالش های علمی - حرفه ای: در دنیای امروز که، هر نوع توانمندی بر ستون دانایی قرار دارد، برای انجام اقدامات مناسب و تقویت زیرساخت های علمی، لازم است چالش های علمی و حرفه ای موجود در این مسیر، موردنبررسی قرار گیرد. همان طور که در جدول شماره ۱ آمده است مصاحبه شوندگان از کمبود هیئت علمی متخصص (م ۱)، نبود مشاور و متخصص برنامه ریزی درسی (م ۱۷)، ضعف در همکاری های علمی (م ۱۴)، رقابت های ناسالم علمی - حرفه ای (م ۲۰)، ارائه نظرات غیر متخصصی (م ۵ و ۶ و ۱۸)، تغییر برنامه محوری (م ۶ و ۱۴) و وابستگی اعضای هیئت علمی به درسی خاص (م ۹ و ۱۱)، به عنوان چالش های حرفه ای تأکید نمودند (جدول شماره ۱). برای مثال مشارکت کننده شماره ۱ گفت: "این رشته در ایران وجود نداشت، در این رشته تنها خودم در گروه متخصص بودم، لذا برای رسیدن به اطلاعات غنی دچار مشکلاتی شدم و احساس ضعف نمودم". مشارکت کننده شماره ۱۷ نیز عنوان نمود: "اشکال نبودن یک نیروی متخصص برنامه ریزی درسی در کنار ما در گروه بود زیرا حضور وی باعث افزایش کارایی و کیفیت و حتی سرعت و تسهیل برنامه تدوینی می شود، وی می تواند فوت آخر کوزه گری را وارد نماید". استاد دیگری (م ۱۴) اظهار داشت: "وقتی ایده می دهید و رشته ای را تدوین می کنید، شاید تعداد کمک کنندگان کم باشد اما کسانی که دوست دارند دیکته نوشته شده را تصحیح کنند زیاد هستند. به خصوص اگر رشته پیشنهادی از رشته های مطرح روز باشد. این عمل، کار را سخت می کند و یک دفعه می بینید رشته از موضوعیتی که داشته، دور شده".

مصاحبه شونده شماره ۲۰ گفت: "رقابت بعضی از دانشگاه ها و افراد باعث می شود رشته ها سریع یا کند عبور کنند. مثلاً دانشگاهی احساس می کرد فقط خودشان باید این رشته را داشته باشند، احساسشان این بود که باید این رشته تصویب شود پس برای تصویب نشدن آن بیشتر بهانه می آوردند تا دلیل". استاد دیگری (م ۱۸) بیان نمود: "مشکل اساسی شوراهای این است که تا گروه تخصصی و از گروه به بعد غیر متخصصی است". مشارکت کننده شماره ۶ اظهار داشت: "آنجا به مسائلی که در حوزه تخصصی آن ها نیست گیر می دهند اگرچه اعضای هیئت علمی دانشگاه، عضو این کمیته هستند ولی برخورد آن ها با این مسئله مثل داوری

پایان نامه است یعنی کلیت کار را می بینند، لذا با ارائه نظرات خصوصی مثل سنگ ها می ماند که به پایی یک عوض کنند، پس بروکراسی همراه با نظرات غیر تخصصی مثل سنگ ها می ماند که به پایی یک دونده بسته باشند و سد راه می شود". مشارکت کننده شماره ۵ اظهار داشت: "وقتی رشته جدید می آید هر کسی می خواهد نظر بدهد و بگوید بانی این رشته است، از جمله افرادی از صنعت به عنوان مشتریان دوره ها آمدند که با ارائه نظرات شان مانع پیشرفت کار شدند". استاد دیگری (م ۹) عنوان کرد: "با تدوین رشته باید ظرفیت گروه برای رشته جدید هم پخش شود. بنابراین اعضای هیئت علمی مایل نیستند ظرفیت و قدرت خود را پخش کنند". مشارکت کننده شماره ۱۱ نیز اظهار داشت: "هر چیز نو و جدید که ارائه می دهید یکسری مقاومت هایی در برابر آن هست".

۲. چالش بین رشته ای ها: مفهوم، جایگاه و تدوین بین رشته ای ها در دانشگاه ها و آموزش عالی یکی از موضوعات چالشی است که علاقه بسیاری از اعضای هیئت علمی رشته های تدوینی را به خود جلب نموده است. در این خصوص مصاحبه شوندگان از دشواری تلفیق دیدگاه اعضای هیئت علمی رشته های مختلف (م ۱)، کمبود هیئت علمی متخصص بین رشته ای و ضعف در حداقل های لازم (م ۱)، دشواری تلفیق و درهم تندیگی مطالب و محتوای چند رشته ای ها (م ۳)، سردرگمی سفارش دهنده های بین رشته ای و تقسیم مسئولیت نتایج بین چند حوزه یا رشته (م ۸)، دشواری مدیریت و رهبری آنها (م ۸) و دشواری ارزیابی آنها در وزارت خانه (م ۸) به عنوان چالش های مطرح، فراوری تدوین کننده های اشاره نمودند (جدول شماره ۱). برای مثال مشارکت کننده شماره ۱ عنوان نمود: "این رشته چند بعدی و میان رشته ای است و نیاز به متخصصان، مهارت و دانش در شاخه های متنوع دارد که لازم است متخصص این رشته در شاخه ها و ابعاد مختلف آن از نظر علمی و پژوهشی تعریف شود". استاد دیگری (م ۳) اظهار داشت: "رشته جدید تلفیقی از درس های رشته های مختلف است لذا اعضای هیئت علمی تدوین کننده رشته، یا تخصص این کار را ندارد یا بخشی از این تخصص را دارند و ما به ندرت می توانیم استادی را پیدا کنیم که، بتواند در رشته جدید، تمامی منابع و عنوانین را تألیف کند". مشارکت کننده شماره ۸ بیان نمود: "وضعیت بین رشته ای ها در وزارت خانه خیلی مشخص نیست، در خصوص این که چه کسی متولی این رشته هست، چه کسی باید آن را بررسی کند، هنوز جواب قطعی به ما ندادند".

ب. چالش های کارکرده: چالش هایی که استادان بر اساس تجرب و دیدگاه های خود در این طبقه مطرح کردند در سه زیر مقوله یا طبقه فرعی به شرح ذیل است:

۳. چالش های ساختاری: همان طور که در جدول شماره ۱ آمده است مصاحبه شوندگان بر، سیستم های عریض و طویل اداری و گم شدن مدارک ارسالی (م ۲)، به روز نبودن سوابق علمی و اجرایی استادی (م ۴)، تکیه بر اجتهاد شخصی اعضای هیئت علمی به جای مکانیسم های استاندارد (م ۹)، نبود و ساختار استاندارد برای دسته بندی رشته ها در وزارت خانه (م ۹)، موازی کاری های زیاد دانشگاه ها برای تدوین رشته (م ۱۳ و ۲)، طولانی شدن فرآیند تدوین رشته (م ۱۲ و ۱۴ و ۲)، ساختار بوروکراتیک اداری (م ۲ و ۱۷)، مکانیکی بودن روند تدوین رشته (م ۱۴)، تمرکز گرایی (م ۱۵ و ۱۷) و عدم اجرای برنامه های جامع آموزشی مبتنی بر اسناد بالادستی (م ۱۷) به عنوان مهم ترین چالش های ساختاری و تشکیلاتی اشاره نمودند. برای مثال مشارکت کننده شماره ۲ بیان داشت: "سیکل کنند است، یک رشته تا مراحل خود را طی کنند چنان سال طول می کشد، بعد از چنان سال هم یا فرد فراموش می کند دنبال چه بوده، یا افرادی که بیرون قول دادند عوض شده یا قول لها یشان را فراموش کردند. علاوه بر این، وجود قوانین و مقررات اداری دست و پا گیر و نامه نگاری ها خود چالشی مضاعف است یعنی هر کاری که می خواهی انجام بدھی، می گویند اول درخواست را برای شورا بنویس و صبر کن تا جوابت را بدهند، بعد اقدام کن. من این روش را منسخ می دانم که ما به عنوان هیئت علمی از پایین درخواست تدوین رشته بدهیم، چون افراد بالنرژی و علاقه، وقت زیادی صرف می کنند ولی یکجا هایی دانشگاه مانع شده، لذا انگیزه ها از بین می روند و موازی کارهای زیادی پیش می آید یعنی من با یک طرز فکر و نگاه، و دانشگاهی دیگر با نگاه دیگران رشته را تدوین می کنم، یک رشته با دو سرفصل متفاوت ارائه می شود".

استادی دیگر (م ۴) اظهار نمود: "یکی از مراحل اجرای تدوین رشته، تهیه آمارها از وضعیت مختلف دانشگاه و تهیه رزومه اعضای هیئت علمی می باشد. برای این موارد کاتال مشخص یا مرکزی که بشود از آنجا اطلاعات به روز را تهیه نمود، وجود ندارد". مشارکت کننده شماره ۹ با اشاره به عدم وجود سازوکار قانونی مناسب گفت: "در وزارت علوم و ستاد برنامه ریزی، رشته ها بر اساس ساختارهای مختلفی دسته بندی شدند، یک قانون استاندارد واحدی وجود ندارد. بعضی از رشته ها گرایش و بعضی خودشان رشته هستند. از ما خواستند آن را تحت

یک رشته نه گرایش تدوین کنیم". استادی دیگر (م ۱۳) اظهار داشت: "ما مکانیسم تعریف شده‌ی استانداردی، برای طی مراحل ایجاد رشته در آموزش عالی نداریم و این را اعلام نکردایم. گروه‌های مختلف در دانشگاه‌های کشور، با توجه به اجتهادهای شخصی خود و تجاربی که دارند اقدام به ایجاد رشته می‌کنند. این از مهم‌ترین مسائلی است که امروزه در حوزه برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی وجود دارد یعنی بسیاری از تلاش‌هایی که شکل می‌کنند با انجام کارهای موازی مواجه است". مصاحبه‌شونده شماره ۱۲ نیز اظهار نمود: "طولانی شدن فرآیند تدوین رشته به دلیل، شلوغی و حجم زیاد کار در وزارت تحصیل خود چالشی مضاعف است". مشارکت کننده شماره ۱۴ با تأکید بر اظهار نظرات غیرتحصیلی بیان نمود: "تصحیح‌ها و ارائه نظرات مختلف دانشکده، دانشگاه، وزارت علوم و دانشگاه‌های دیگر در خصوص یک رشته تدوینی، سیر و روند را طولانی و سخت می‌کند و گاهی برنامه محوری را عوض می‌کنند. دنیا آن، از رشته‌های قدیمی عبور کرده، یک سری رشته‌ها عمر خاصی دارند. آن بهار رشته X کشور ماست! ما تا خواستیم رشته‌ها را مناسب با این بکنیم بهار آن رشته خزان می‌شود. ما آن به این نیروی کار نیاز داریم". استادی دیگر (م ۱۷) اظهار داشت: "ضوابط بروکراسی دولتی بر ما حاکم است که ما را از فرصت‌ها دور می‌کنند. در حال حاضر دانشگاه‌ها با مشکل تمرکزگرایی شدیدی رو برو هستند که اجازه نمی‌دهند آن‌ها متناسب با تحولات جامعه و بازار و اکتشاف نشان دهند. به همین دلیل، زمینه رشته‌ای که ما ۲ سال پیش اقدام نمودیم آن از بین رفته، در آن زمان تنورش داغ بود و ما می‌توانستیم دانشجو تربیت یا بورس کنیم. ما فرصت‌ها را از دست دادیم، چون مشتری آن رشته عملاً نیازش را از جایی دیگر تأمین کرده است. از دیگر نقاط ضعف دانشگاه‌ها، مقید نبودن به سند چشم‌انداز کشور، برنامه‌های ۵ ساله و ندادشت آمایش سرزمهین است. اشکال وزارت تحصیل نیز این است که همه دانشگاه‌ها را یکی می‌بینند از این‌رو دانشگاه‌ها نمی‌دانند رسالت آمایشی آن‌ها چیست؟ و این از مسائل کلان و ساختاری است که هنوز حل نشده و روی کارهای ما اثر می‌گذارد". مصاحبه‌شونده شماره ۱۵ نیز بزرگ‌ترین ایراد تدوین رشته جدید را تمرکزگرایی می‌داند.

۴. چالش‌های مدیریتی: مصاحبه‌شوندگان در خصوص چالش‌های مدیریتی به، مشغله زیاد و کمبود وقت مسؤولین (م ۱ و ۲)، تغییر مدیران و سیاست‌های سازمان (م ۲ و ۳ و ۴ و ۲۲)، ضعف حمایت مدیران و دانشگاه برای پیگیری رشته (م ۱۰ و ۱۹)، انتظارات نامناسب از

اعضای هیئت علمی تدوین کننده (م ۷)؛ حمایت غیر معمول مسؤولین از برخی دانشگاهها (م ۱) و شفاف نبودن سیاست های مدیران در فرآیند تدوین (م ۸) فاصله بین قول و وظایف مسئولان سطوح بالا (م ۱۹) اشاره نمودند (جدول شماره ۱). برای مثال مشارکت کننده شماره ۱ اظهار داشت: "گرفتاری بیش از حد مسئولین مستقیم وزارت خانه و ندادشن وقت کافی اعضا کمیته تهران و مشغولیت بیش از حد آن ها از مهم ترین موارد است. یک مسئول در عین حالی که رئیس یک دانشگاه مهم است، کمیته های مختلف، پروژه های ملی و حتی نوشتمن کتاب و راهنمایی تعداد زیادی دانشجو را عهده دار است یعنی یک فرد، کار تقریباً ۲۰ نفر را انجام می دهد به همین جهت وقت لازم برای بررسی این قضیه [تدوین رشته] را ندارد و کار ماندگار می شود". استادی دیگر (م ۲) گفت: "با افراد زیادی در بیرون ارتباط داریم که می گویند اگر این رشته را راه اندازی کردیم، فلان امکانات و آزمایشگاه را به شما می دهیم. اما بعد از دو سال یا توافق نامه دست کسی نماند، یا افراد امضا کننده دیگر در آن پست نیستند. مشارکت کننده شماره ۳ اذعان نمود" در خصوص رشته می باشد، اعضا کمیته نظراتی دادند، آن ها را اعمال کردیم، بعد که برگرداندیم دیدیم اعضای شورای دانشگاه عوض شده و این افراد، نظرات جدیدی دارند". استادی دیگر (م ۴) اظهار کرد: "با پشت سر گذاشتن همه این مشکلات بعد از یک سال نیم این پاسخ را شنیدیم که در حال حاضر سیاستمنان گسترش رشته ها نیست".

مصطفی شونده شماره ۲۲ نیز اظهار نمود "مشکلی که اشک مرا درآورد این بود که اعضاء این کمیته ها تغییر می کنند زیرا این افراد، حکمستان ۲ ساله است". مصطفی شونده شماره ۱۰ گفت: "وقتی این حرکت از دانشگاه ما شروع شد هیچ گونه تشویق و پشتیبانی به وسیله مدیران از آن به عمل نیامد". استادی دیگر (م ۱۹) اظهار داشت "با وجودی که در آیین نامه قطب ها، راه اندازی بین رشته ای ها جزء اهداف قطب ها و به عنوان چشم انداز مطرح شده است و در برنامه های سوم، چهارم و برنامه های کشوری تأکید زیادی بر آن شده است ولی متأسفانه در وزارت خانه همکاری لازم نشد و فقط در سطح شعار جلو رفتند". مشارکت کننده شماره ۷ نیز بیان نمود: "همکاری مدیران دانشگاه کم است. دانشگاه و مسئولین پیگیری مداوم روی این قضیه ندارند و انتظار دارند این کار را هیئت علمی انجام بدهند". استاد دیگری (م ۱) اذعان نمود: "شاید مسئولین مستقیم دوست دارند این رشته برای اولین بار در دانشگاه خودشان اجرا شود، از این جهت اقدام خاصی به عمل نیاورند، شاید عده ای از اعضا [تصمیم گیرنده] این

رشته را قبول نداشته و با آن مخالفت می‌کنند". مشارکت‌کننده شماره ۸ نیز گفت "با تغییر مدیریت کلاً وزارت خانه تغییر می‌کند و ما نمی‌دانیم سیاست‌های وزارت علوم در قبال رشته‌های جدید چیست!".

۵- چالش‌های مالی: از آنجایی که، تولید و توسعه دانش و افزایش کیفیت آن از طریق ایجاد رشته‌ها هزینه‌بر است لذا ضعف یا تقویت بنیه مالی دانشگاه‌ها به عنوان یکی از عوامل چالشی در رشته‌های تدوینی جدید به حساب آمده است. در این خصوص مشارکت‌کنندگان از عدم وجود سازوکار تأمین مالی و اعتبارات برای تدوین رشته (م ۱ و ۹ و ۱۶ و ۱۷)، تکیه بر اقتصاد دولتی برای تأمین هزینه‌های تدوین رشته (م ۶)، عدم اختصاص اعتبار برای بخش تدوین رشته در آئین نامه‌های مالی (م ۱۳ و ۲)، بی‌توجهی به نقش کلیدی دریافت اعتبار از بخش‌های غیردولتی برای ایجاد رشته (م ۶)، محسوب نشدن ساعت تدوین رشته در برنامه آموزشی و پژوهشی (م ۲۱) به عنوان مهم‌ترین آیتم‌های چالش مالی اشاره نمودند (جدول شماره ۱). برای مثال مشارکت‌کننده شماره ۹ اظهار نمود: "هر گروه یک بودجه خاصی دارد، وقتی یک رشته‌ی جدید می‌آید این بودجه باید برای رشته‌ی جدید هم ثبت شود لذا این مورد مخالفت‌هایی را در پیش دارد زیرا منابع و بودجه دانشگاه‌ها محدود است. بنابراین تعدادی از همکاران به خصوص در گرایش‌های دیگر مخالفت‌هایی داشتند که ما این ظرفیت را در گروه نداریم. اگر رشته‌های جدید بباید باید کلاس‌های درسی و آزمایشگاه‌ها برای رشته جدید پخش شود". استادی دیگر (م ۱۶) عنوان کرد: "یک ریال نمی‌دهند، می‌گویند از افراد مختلف دعوت کنید که بیایند، ولی از پول خبری نیست". مشارکت‌کننده شماره ۱۷ بیان نمود: "برای داوری رشته‌های جدید منابع مالی وجود ندارد، کسانی که مجانية داوری رشته‌های جدید را انجام می‌دهند باید یا وجدان قوی یا وقت زیاد داشته باشند، ما نمی‌توانیم خیلی از کارهای جمعی را به وجود آور و اگذار کنیم باید برای آن‌ها منابع در نظر بگیریم". مشارکت‌کننده شماره ۶ نیز گفت: "قبلًا ستادهایی کمک می‌کردند ولی الان کمک نمی‌کنند چون اقتصاد ما دولتی است، وقتی دولت پول ندارد هیچ کجا پول نیست". استادی دیگر (م ۱۳) عنوان کرد: "در چارچوب وظایف دانشگاهی، با توجه به این که ایجاد رشته کار بسیار وقت‌گیر است، اما دانشگاه بودجه‌ای را برای این کار تعیین نکرده و ما به ازایی برایش تعریف‌نشده است. ما از متخصصان بیرونی دعوت کردیم، یکی از چالش‌هایی که داشتیم این بود که به ما هیچ ردیفی را نمی‌دادند".

که بتوانیم به متخصصان بیرونی دعوت شده پرداختی داشته باشیم، اکثر اشخاصی که من با آنها کار می کردم گفتند که آنها این کار را به دلیل علاقه و انگیزه شخصی پیگیری کردند و اگر دانشگاه حمایت نکند یا مزایای مشخصی را برای مشارکت در چنین فعالیتی در نظر نگیرد آن الزامی که، دانشگاه برای ایجاد رشته های جدید دارد، از جهت عملی شکل نخواهد گرفت." مشارکت کننده شماره ۲ عنوان کرد: "وقتی رشته ای راه اندازی می کنم و از جاهای مختلف متخصص دعوت می کنم باید ابزار و هزینه ها، بدون دردسر فراهم شود ولی به دلیل نبود امکانات و هزینه ها با دخالت و مشکلاتی مواجه شدم، باید به ۱۰۰ نفر زنگ بزنم، در خیلی از مواقع اعضای هیئت علمی مدعاو خودشان هزینه رفت و بیرگشت شان را می پردازنند، لذا این افراد از ادامه کار منصرف می شوند. من فکر می کنم اگر به دنبال کیفیت هستند باید امکانات و هزینه های مادی و زمانی لازم را پردازنند". استاد دیگری (م ۲۱) نیز گفت: "نه تنها برای این کار هزینه هایی در نظر نمی کیرند بلکه ساعت تدوین، در برنامه هفتگی اساتید هم منظور نمی شود".

سؤال سوم: اولویت بندی چالش های تدوین رشته های دانشگاهی بر اساس نظر اعضای هیئت علمی چگونه است؟

بر اساس نتایج تجزیه و تحلیل داده های کیفی حاصل از مصاحبه ها در جدول شماره ۱، اولویت بندی چالش های تدوین رشته های دانشگاهی از دیدگاه اعضای هیئت علمی به ترتیب مربوط به چالش های: ساختاری (۱۹ نفر)، مالی (۱۸ نفر)، مدیریتی (۱۵ نفر)، بین رشته ای (۱۴ نفر) و نهایتاً علمی - حرفه ای (۱۰ نفر) است.

جدول ۱: نحوه کدگذاری و دسته‌بندی مقوله‌های چالش‌های تدوین رشته‌های جدید دانشگاهی

مقوله همسنه	مفهوم عمده	مقوله‌های فراء‌انی	کدهای استخراج شده	فراء‌انی	متن مصاحبه مشارکت کنندگان
			۱. کمبود متخصص و ضعف علمی (م ۱)		
			۲. نبود مشاور و متخصص برنامه ریزی درسی در تیم تدوین کننده رشته (م ۱۷)		
	علمی و حرفه‌ای	۱۰	۳. ضعف مشارکت و همکاری علمی (م ۱۴)		
چالش‌های بنیادی			۴. رقابت‌های ناسالم علمی - حرفه‌ای افراد و دانشگاه‌ها (م ۲۰)		
			۵. ارائه نظرات غیرتخصصی و اختلاف نظرهای علمی		
					این رشته در ایران و جهان وجود نداشت. در این رشته تنها خودم، در گروه متخصص بودم، لذا برای رسیدن به اطلاعات غنی دچار مشکلاتی شدم و احساس ضعف نمودم (م ۱)؛ اشکال نبود یک نیروی متخصص برنامه ریزی درسی در گروه بود زیرا حضور وی باعث افزایش کارایی و کیفیت و حتی سرعت و تسهیل برنامه تدوینی می‌شود (م ۱۷)؛ وقتی ایده می‌دهید و رشته‌ای را تدوین می‌کنید، شاید تعداد کمک کنندگان کم باشد اما کسانی که دیکته‌ی نوشته شده را تصحیح کنند زیاد هستند. این عمل، کار را سخت می‌کند و یک دفعه می‌بیند رشته از موضوعیتی که داشته، دور شده (م ۱۴)؛ رقابت بعضی از دانشگاه‌ها و افراد باعث می‌شود رشته‌ها سریع یا کند عبور

<p>کنند مثلاً دانشگاهی احساس می کرد فقط خودشان باید این رشته را داشته باشند، پس برای تصویب نشدن آن بیشتر بهانه می آورندند تا دلیل (م ۲۰)؛ مشکل اساسی شوراهای این است که تا گروه تخصصی و از گروه به بعد غیرتخصصی است (م ۱۸)؛ آن جا به مسائلی که در حوزه تخصصی آنها نیست گیر می دهند یعنی کلیت کار را می بینند لذا با ارائه نظراتشان ممکن است جهت رشته را عرض کنند، بروکراسی همراه با نظرات غیر تخصصی مثل سنگها می ماند که سد راه می شود (م ۶)؛ وقتی رشته جدید می آید هر کسی می خواهد نظر بدهد و بگوید بانی این رشته است، افرادی به عنوان مشتریان دوره آمده بودند که با ارائه نظراتشان مانع پیشرفت کار شدند (م ۵)؛ اعضای هیئت علمی مایل نیستند ظرفیت و قدرت خود را پخش کنند، دوست دارند در رشته ای خودشان فقط کار کنند (م ۹)؛ هر چیز نو و جدید که</p>	<p>۲</p>	<p>بین اساتید (م ۵ و ۶ و ۱۸) ۶. تغییر برنامه محوری توسط غیر متخصصین (م ۶ و ۱۴) ۷. مقاومت در برابر تغییر (م ۹ و ۱۱)</p>			
---	----------	--	--	--	--

ارائه می‌دهید یکسری مقاومت‌هایی در برابر آن هست (م) (۱۱)					
این رشته چند بعدی و میان رشته‌ای است و نیاز به متخصصان خاص، مهارت و دانش در شاخه‌های متنوع و چند بعدی دارد که لازم است متخصص این رشته در شاخه‌ها و ابعاد مختلف از نظر علمی و پژوهشی تقویت شده باشد (م) (۱)؛ رشته جدید تلفیقی از درس‌های رشته‌های مختلف است لذا اعضاي هیئت علمی تدوین کننده رشته، یا تخصص این کار را ندارند یا بخشی از این تخصص را دارند و ما به ندرت می‌توانیم استادی را پیدا کنیم که، بتواند در رشته جدید، تمامی منابع و عناوین را تألیف کند (م) (۳)؛ وضعیت بین رشته‌ایها در وزارت‌خانه خیلی مشخص نیست، در خصوص این که چه کسی متولی این رشته هست، چه کسی باید آن را ببررسی کند، هنوز جواب قطعی به	۳	۱. دشواری تلفیق دیدگاه استادی رشته‌های مختلف (م) (۱) ۲. کمبود استادی متخصص و ضعف علمی (م) (۱) ۳. دشواری تلفیق و درهم تنیدگی مطالب و محتوای رشته‌ها (م) (۳) ۴. نامشخص بودن متولی بین رشته‌ایها در وزارت‌خانه (م) (۸) ۵. دشواری مدیریت بین رشته‌ایها (م) (۸) ۶. دشواری ارزیابی بین رشته‌ایها در وزارت‌خانه (م)	۱۴	بین رشته‌ای	

ما ندادند (م) (۸)		(۸)			
سیکل کند است، یک رشته تا مراحل خود را طی کند چند سال طول می کشد، بعد از چند سال یا فرد فراموش می کند دنبال چه بوده، یا افرادی که قول دادند عوض شده یا قولشان را فراموش کردند. وجود قوانین و مقررات اداری دست و پا گیر و نامه نگاری ها خود چالشی مضاعف است، هر کاری را می خواهی انجام بدھی، می گویند اول درخواست را برای شورا بنویس تا جواب دهد، موازی کاربهای زیادی پیش می آید یعنی من با طرز فکر و نگاهی و دانشگاهی دیگر با نگاهی دیگر یک رشته را تدوین	۵ ۲ ۱ ۲	۱. سیستم های عرضی و طویل اداری (م) ۲. به روز نبودن سوابق علمی و اجرایی اعضای هیئت علمی (م) ۳. نبود ساختار استاندارد برای دسته بندی رشته ها در وزارت خانه (م) ۴. موازی کاری های زیاد دانشگاه ها برای تدوین رشته (م) ۹ (۲ و ۱۳)	۱۹	چالش های ساختاری کار کردن	

<p>می‌کند (م ۲)؛ یکی از مراحل تدوین رشته، تهیه آمار از وضعیت مختلف دانشگاه و تهیه رزمه اساتید است، برای این موارد کانال مشخص یا مرکزی که از آنجا اطلاعات به روز را تهیه نمود، وجود ندارد (م ۴)؛ در وزارت علوم و ستد برنامه ریزی، رشته‌ها براساس ساختارهای مختلفی دسته بندی شدند، یک قانون استاندارد واحدی وجود ندارد، بعضی از رشته‌ها گرایش و بعضی رشته هستند (م ۹)؛ مکانیسم تعریف شده استانداردی، برای ایجاد رشته در آموزش عالی نداریم، گروه‌های مختلف در دانشگاه‌های کشور، با توجه به اجتهادهای شخصی و تجارب خود اقدام می‌کنند، بسیاری از تلاش‌هایی که شکل می‌گیرد با انجام کارهای موازی مواجه است (م ۱۳)؛ طولانی شدن فرآیند</p>	<p>۱۰</p> <p>۳</p> <p>۱</p> <p>۳</p> <p>۲</p>	<p>۵. طولانی شدن فرآیند تدوین رشته (م ۱۲ و ۱۴ و ۲)</p> <p>۶. ساختار بوروکراتیک اداری (م ۲ و ۱۷)</p> <p>۷. انجام مکانیکی فرآیند تدوین رشته (م ۱۴)</p> <p>۸. تمرکزگرایی (م ۱۵ و ۱۷)</p> <p>۹. عدم اجرای برنامه‌های جامع آموزشی مبتنی بر اسناد بالادستی (م ۱۷)</p>		
--	---	---	--	--

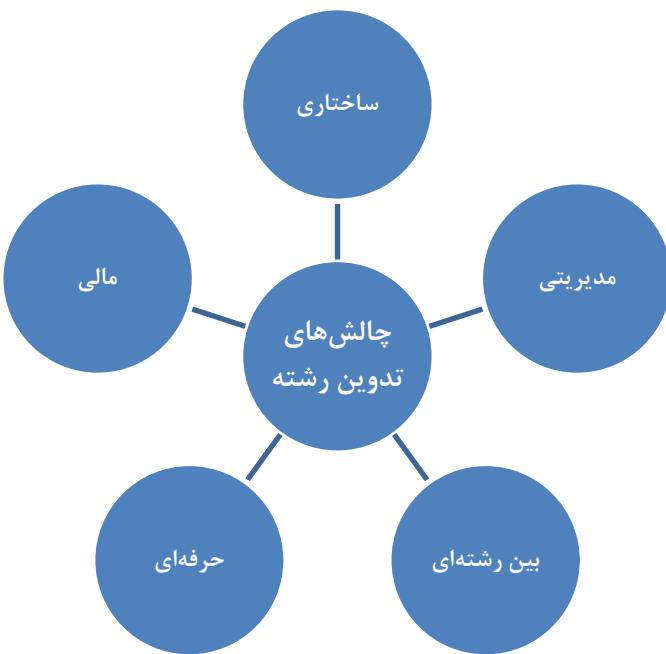
<p>تدوین رشته به دلیل شلوغی و حجم زیاد کار در وزارت توانانه چالشی مضاعف است (م ۱۲)؛ تصحیح ها و ارائه نظرات مخالف دانشکده، دانشگاه، وزارت علم و دانشگاه های دیگر درباره رشته، روند را طولانی و سخت می کند. یک سری رشته های ک عمر خاصی دارند (م ۱۴)؛ بزرگترین ایراد تدوین رشته جدید در کشور ما تمرکزگرایی است (م ۱۵)؛ ضوابط بروکراسی، بر ما حاکم است که ما را از فرصت ها دور می کند، دانشگاه ها با مشکل تمرکز گرایی شدیدی روبرو هستند که اجازه نمی دهد آنها مناسب با تحولات جامعه و بازار واکنش نشان دهند. زمینه آن رشته ای که ما ۲ سال پیش اقدام نمودیم الان از بین رفته، فرصت را از دست دادیم چون مشتری آن رشته عملانیازش را از جایی دیگر تأمین کرده است، از</p>				
--	--	--	--	--

<p>دیگر نقاط ضعف دانشگاه‌ها، مقید نبودن به سندهای انداز کشور، برنامه‌های ۵ ساله و نداشتن آمایش سرزمین است، اشکال وزارتخانه این است که همه دانشگاه‌ها را یکی می‌بیند و دانشگاه‌ها نمی‌دانند رسالت آمایشی آنها چیست؟ این از مسائل کلان و ساختاری است که هنوز حل نشده (م (۱۷)</p>				
<p>گرفتاری مسؤولین مستقیم وزارتخانه، نداشتن وقت کافی اعضای کمیته تهران و مشغولیت بیش از حد آنها از مهم‌ترین موارد است (م ۱)؛ با افراد زیادی در بیرون ارتباط داریم، می‌گویند اگر این رشته را راه اندازی کردید ما فلان امکانات را به شما می‌دهیم. اما بعد از دو سال یا توافق نامه دست کسی نمانده، یا افراد امضاکننده دیگر در آن پست نیستند (م ۲)؛ در خصوص رشته ما، اعضای کمیته نظراتی دادند، آنها را اعمال</p>	۷ ۳ ۲ ۲	<p>۱. مشغله زیاد و کمبود وقت مسئولین (م ۱)</p> <p>۲. تغییر مدیران و سیاست‌های سازمان (م ۲ و ۳ و ۴ و ۲۲)</p> <p>۳- ضعف حمایت مدیران و دانشگاه برای پیگیری رشته (م ۱۰ و ۱۹)</p> <p>۴- انتظارات نامناسب از</p>	۱۵	مدیریتی

۱	اعضای هیئت علمی تدوین کننده (م) (۷)	۴ - علاقه مندی مسئولین در اولویت ثبت رشته جدید بنام دانشگاه خود (م) (۱)		
۲	۵- شفاف نبودن سیاست های مدیران در فرآیند تدوین (م) (۸)			

<p>دست دارند این رشته برای اولین بار در دانشگاه خودشان اجرا شود، از این جهت اقدام خاصی به عمل نیاوردن (م ۱)؛ با تغییر مدیریت، کلاً وزارت خانه تغییر می‌کند و ما نمی‌دانیم سیاست وزارت علوم در قبال رشته جدید چیست؟(م ۸)</p>				
<p>هر گروه یک بودجه خاصی دارد، وقتی رشته‌ی جدید می‌آید این بودجه باید برای رشته جدید هم ثبت شود، لذا مخالفت‌هایی را در پیش دارد زیرا منابع و بودجه دانشگاه‌ها محدود است. بنابراین همکاران مخالفت‌هایی داشتند که اگر رشته جدید بباید، باید کلاس‌های درسی و آزمایشگاه‌ها برای رشته جدید پخش شود (م ۹)؛ یک ریال نمی‌دهند، می‌گویند از افراد مختلف دعوت کنید که بیانند ولی از پول خبری نیست (م ۱۶)؛ برای داوری رشته‌های جدید منابع مالی وجود ندارد (م ۱۷)؛ قبل از تأسیس کمک‌هایی می‌کرد ولی الان کمک نمی‌کند</p>	۱۲ ۲ ۶	<p>۱- عدم وجود سازوکار تأمین مالی و اعتبارات برای تدوین رشته (م ۱ و ۹ و ۱۶ و ۱۷) ۲- تکیه بر اقتصاد دولتی برای تأمین هزینه‌های تدوین رشته (م ۹) ۳- عدم اختصاص اعتبار برای بخش تدوین رشته در آئین نامه‌های مالی (م ۱۳ و</p>	۱۸	مالی

<p>چون اقتصاد ما دولتی است، وقتی دولت پول ندارد هیچ کجا پول نیست (م ۶)؛ دانشگاه بودجه‌ای را برای این کار تعیین نکرده و ما به ازایی برایش تعریف‌نشده، ما از متخصصان بیرونی دعوت می‌کردیم، به ما هیچ ردیفی را نمی‌دادند که بتوانیم به متخصصان دعوت شده پرداختی داشته باشیم (م ۱۳)؛ باید به ۱۰۰ نفر زنگ بزنم. در خیلی از موقع عضای هیئت‌علمی مدعو خودشان هزینه رفت ویرگشت‌شان را می‌پردازند (م ۲)؛ نه تنها برای این کار هزینه در نظر نمی‌گیرند بلکه ساعت تدوین، در برنامه هفتگی اساتید هم منظور نمی‌شود (م ۲۱).</p>	<p>۲</p>	<p>۴-بی‌توجهی به نقش کلیدی دریافت اعتبار از بخش‌های غیردولتی برای ایجاد رشته (م ۶)</p> <p>۵-محسوب نشدن ساعت تدوین رشته در برنامه آموزشی و پژوهشی (م ۲۱)</p>		
--	----------	---	--	--



شکل ۱: نقشه مفهومی چالش‌های تدوین رشته‌های جدید دانشگاهی

بحث و نتیجه‌گیری

دانشگاه‌های ایران در طی دهه‌ی اخیر در زمینه ی تدوین رشته‌های جدید پذیرای حرکت در مسیر تمرکز‌زدایی بوده‌اند. پیدایش و اجرای این فعالیت در عمل توانسته تأثیراتی بر معیارهای بنیادی و کاربردی تدوین رشته داشته و چالش‌هایی را در بخش‌های فرآیند مذکور ایجاد کند. یافته‌های این پژوهش که مبنی بر تجرب عینی شرکت‌کنندگان در مطالعه، بیانگر دو چالش بزرگ بنیادی و کارکردی مهم و قابل تأمل به عنوان مقوله هسته در فرآیند تدوین رشته است که در پنج مقوله کلی قرار گرفته و می‌تواند به عنوان مانع مهم در ارتقا و اعتباربخشی دانشگاه و توسعه سایر بخش‌های جامعه محسوب شود. بر اساس مقوله چالش‌های بنیادی، نتایج تحقیق حاکی از آن است که:

- ۱- در ارتباط با مقوله‌ی چالش علمی - حرفه‌ای و مؤلفه‌های آن:

الف- ضعف و اختلاف نظر علمی و تخصصی اعضای گروه یکی از چالش های مطرح علمی - حرفة ای است که موجب شده تا اعضای هیئت علمی اقدام به ملاحظه کاری و مقاومت در برابر تغییر نمایند. این عمل تأثیرات سویی بر فرآیند تدوین رشته داشته و کیفیت برنامه درسی آن را نیز خدشه دار نموده است. مشارکت کنندگان ضمن توجه به این مسئله، ضرورت دعوت از متخصصان خارج از گروه و استفاده از دانش و تجربیات مدیران اجرایی را توصیه نمودند. در این راستا مهر محمدی (۱۳۸۸)، سیلور و همکاران (۱۳۷۸)، آویزگان و همکاران (۲۰۱۵)، شورت^۱ (۱۹۸۲) و سبار^۲ (۱۹۸۹) نیز معتقد به بهره مندی از نظرات متخصصان رشته های علمی می باشند. به نظر می رسد کم توجهی و یا در مواردی غفلت عملی نسبت به ضرورت حرکت بر پیشانی علم و قرار گرفتن بر ستون دانایی به عنوان رسالت علمی - حرفة ای در فرآیند تولید دانش و تدوین رشته زمینه ساز این چالش شده است.

ب- علاوه بر موارد فوق، نتایج حاکی از کم توجهی به متخصصان برنامه درسی در فعالیت های عملی برنامه ریزی درسی است. به نظر می رسد تصور تدوین کنندگان رشته این است که با وجود متخصصان حوزه دانش، نیازی به صاحب نظر برنامه درسی وجود ندارد و این نتیجه برخلاف یافته های پژوهش شریفیان (۱۳۸۹) و نیلی (۱۳۸۸) در پرورت حضور برنامه ریزان درسی است چون این گروه رسالت مفهومی کردن، طراحی و اجرای برنامه درسی را بر عهده دارند بنابراین با لحاظ نمودن رویه ها و اصول علمی برنامه ریزی درسی در رشته های مختلف می توانند نقش فعالی در سرعت و کیفیت فرآیند ایجاد رشته و تدوین برنامه درسی آن داشته باشند. در راستای تأیید این یافته، شواب^۳ (۱۹۶۸) ضمن تأکید بر بازگرداندن متخصصان برنامه درسی به صحنه های تصمیم گیری عملی برنامه درسی به شکل سنجیده و متین اظهار نمود که تدوین برنامه درسی یک فرآیند پژوهشی، ناظر به عمل فکورانه است. بنابراین هرگونه تصمیم گیری، اقدام و عملی درباره آن باید با اتكای بر عقلانیت و خرد عملی انجام گیرد.

علاوه بر این، اولویت بندی مقوله ها نشان داد در هر دو دسته بندی مقوله ها چالش های عملی - حرفة ای در آخرین ردیف و اولویت قرار گرفته است. از این رو به نظر می رسد اعضای

1 Short

2 Sabar

3 Schwab

هیئت‌علمی تدوین‌کننده رشته در این فرآیند در زمینه عملی - حرفه‌ای وضع بهتری داشته و با چالش کمتری برخورد نموده‌اند.

۲- در ارتباط با مقوله‌ی چالش بین‌رشته‌ای و مؤلفه‌های آن، نتایج حاکی از تأکید مشارکت‌کنندگان بر، دشواری تنظیم برنامه درسی و محتوای دروس، کمبود منابع علمی و اعضای هیئت‌علمی توانمند، دشواری رهبری و هماهنگی رشته‌ها و ضعف فعالیت‌های تیمی بود. این چالش‌ها مؤید نتایج پژوهش‌های نوروززاده و فتحی واجارگاه (۱۳۸۷)، گیلد^۱ و همکاران (۲۰۰۷)، ملکی (۱۳۸۸)، و اعتمادی زاده (۱۳۹۰) است. در این راستا، استارک و لاتوكا (۱۹۹۷) ترکیب دیدگاه‌های متنوع و مواجهه با انتظارات متضاد، برومے^۲ (۲۰۰۰) نبود و اژگان مشترک بین اعضای هیئت‌علمی چند رشته، میلر و بویکس مانسیلا^۳ (۲۰۰۴) دشواری برقراری ارتباط بین دیدگاه‌های مختلف و استانداردهای متفاوت و گاه متضاد در رشته‌ها، و کلاین^۴ (۲۰۱۰) نبود رهبران با تجربه، زیرساخت‌های متفرق، دستورالعمل‌های ناکافی و رقابت شدید گروه‌ها و دانشگاه‌ها را مورد تأکید و توجه قرار داده‌اند. علاوه بر این ریگلر^۵ (۲۰۰۵) نیز، تفاوت زمینه‌های آموزشی اعضای هیئت‌علمی، نقص اطلاعاتی و ترجیح پیش‌بینی در مقابل تبیین، را به عنوان موانعی می‌داند که باعث دشوار شدن این فرآیند شده است.

بر اساس موارد فوق‌الذکر به نظر می‌رسد، برخلاف تک رشته‌ای‌ها که از وسعت، توالی منطقی و ثغور مشخصی برخوردارند، در طراحی برنامه‌های درسی بین‌رشته‌ای این ویژگی به چشم نمی‌خورد. به عبارت دیگر، نوعی التقاط ناموزون (بختیار نصرآبادی، ۱۳۹۰) و ترکیب بدون قاعده بر این برنامه‌ها حاکم است که به معنای کنار هم گذاشتن مطالب و موضوعات از رشته‌های مختلف، بدون مرکزیت مشخص و کانون شفاف یادگیری است. نتیجه این کار، عدم یکپارچگی و تمامیت سازمانی برنامه درسی و بی‌اعتباری محتوا از منظر درون رشته‌ای است که مباحث خاص رشته‌ای را به متخصص آن رشته تحمیل نموده و می‌تواند منجر به کاهش کیفیت یادگیری شود. درحالی که نیاز جامعه امروز، هماهنگی دانش آموختگان با مختصات زندگی معاصر است نه تخصص صرف. بنابراین دانشجویان بین‌رشته‌ای برای انجام

۱ Glied

۲ Bromme

۳ Miller & Boix Mansilla

۴ Klein

۵ Riegler

موفقیت‌آمیز بودن فعالیت‌های علمی و پژوهشی خود نیازمند منابع علمی غنی و اعضای هیئت‌علمی توانمندی هستند که دروندادهای فکری مناسبی را در اختیار آن‌ها قرار دهند، لذا ضعف یا نبود اعضای هیئت‌علمی و منابع علمی، خود چالشی بزرگ بر سر راه تدوین بین رشته‌هایها محسوب می‌شود.

اولویت‌بندی مقوله‌ها نیز نشان داد اگرچه چالش‌های بین‌رشته‌ای در چهارمین ردیف و اولویت مطرح شده در دسته‌بندی مقوله‌های عمدۀ قرار گرفته است اما اولین اولویت چالش‌زای بین‌ادی است که اعضای هیئت‌علمی تدوین کننده رشته در این فرآیند با آن مواجه شده‌اند. به نظر می‌رسد در حال حاضر توسعه بین‌رشته‌ای‌ها و کاربردی نمودن رشته‌ها در برنامه‌های توسعه سوم و چهارم مورد تأکید قرار گرفته است. لذا اساتید تدوین کننده بین‌رشته‌ای در انجام این فعالیت با موانعی رو برو هستند که این در راستای نظر اعتمادی‌زاده (۱۳۹۰) می‌باشد. در راستای مقوله چالش‌های کارکردی نیز، نتایج تحقیق حاکی از آن است که:

۳- در ارتباط با مقوله‌ی چالش ساختاری و مؤلفه‌های آن: نوعی تمرکز محوری در ساختار سازمانی آموزش عالی و دانشگاه‌ها در فرآیند فعلی تدوین رشته‌های تحصیلی حاکم است که پیامد آن محدود شدن فعالیت دانشگاه‌ها می‌باشد. بنابراین به نظر می‌رسد، در وضعیت کنونی برخی از اعضای هیئت‌علمی تدوین کننده رشته در نقش مجری و یا برنامه‌ریز به صورت محدود در چارچوب برنامه و سرفصل‌های مصوب فعالیت می‌نمایند. درحالی که برای رسیدن به وضع مطلوب انتظار می‌رود که تدوین کنندگان رشته‌های دانشگاهی با حرکت به سمت عدم تمرکز بتوانند نقش مؤثرتر و فعال‌تری در تدوین رشته‌ها داشته باشند، زیرا تمرکز گرایی، ساختار بوروکراتیک اداری و دستورات سلسله مراتی مسؤولین، موجب طولانی شدن فرآیند تدوین رشته، از دست دادن مشتریان دوره‌ها و مهم‌تر از آن موازی کاری‌های زیاد در دانشگاه‌ها شده است. در این راستا حاتمی (۱۳۸۸) وابستگی رشته جدید به نهادهای سیاست‌گذار، نایبرگ^۱ (۲۰۰۳)، برقی، ملکی، عباس‌پور؛ زارعی زوارکی و سراجی (۱۳۹۲) و امیریان زاده و شفیع زاده (۱۳۹۱) استقلال دانشگاهی، سیگل، ولدمون و لینک^۲ (۲۰۰۳) ساختار بوروکراتیک دانشگاهی، کارتز^۳ و همکاران (۲۰۱۲) مقاومت در برابر تغییر؛ نادری بنسی

1 Nyborg

2 Siegel, Waldman & Link

3. Carter

(۱۳۹۲)، سلسبیلی (۱۳۸۶) و زین الدینی میمند، موسی پور، و جوادی (۱۳۸۴) تمرکزگرایی و مهرمحمدی و همکاران (۱۳۹۰) تشکیلات نظام برنامه‌ریزی درسی را از چالش‌های ساختاری دانشگاه اعلام نموده‌اند که با نتایج پژوهش حاضر همسو است.

با بررسی موارد فوق مشخص می‌شود که، ساختار و تشکیلات اداری از ارکان اصلی سازمان و به عنوان مهم‌ترین عامل چالشی است که به اعتقاد دبیکر و وگلرز^۱ (۲۰۰۵) می‌تواند فعالیت‌های دانشگاه‌ها را محدود کند. بنابراین نقشی سازنده در حرکت یا توقف فرآیند تدوین رشته‌ها دارد. از این‌رو در شیوه مطلوب، ساختار سازمانی باید با هماهنگ نمودن فعالیت گروه‌ها و دوایر آن سازمان در سلسله‌مراتب اداری، هم به ایجاد یک سیستم ارتباطی مؤثر بپردازد (نلسون و کوئیک^۲، ۲۰۰۸) و هم به عنوان مشوقی برای کشف، تسهیل و دنبال کردن فرصت‌های تدوین رشته برای اعضای هیئت‌علمی باشد.

نتایج اولویت‌بندی مقوله‌ها نیز نشان داد در هر دو دسته‌بندی مقوله‌ها، چالش‌های ساختاری در اولین ردیف و اولویت قرار گرفته است. از این‌رو به نظر می‌رسد اعضای هیئت‌علمی تدوین‌کننده رشته در این فرآیند در زمینه مؤلفه‌های ساختاری احساس ضعف نموده و با چالش‌های بیشتری برخورد نمودند و این در راستای پژوهش دبیکر و وگلرز (۲۰۰۵) است که از نظر آن‌ها می‌تواند فعالیت‌های دانشگاه‌ها را محدود کند.

۴- در ارتباط با مقوله‌ی چالش مدیریتی و مؤلفه‌های آن، نتایج تحقیق بیانگر ضعف عملکرد مسؤولین در پیگیری و حمایت از رشته جدید، تغییر مدیران و مشغله بیش از حد آن‌هاست. با توجه به نقش حساس و سازنده‌ای که مدیران در تأمین اهداف، اجرای برنامه و انجام مسؤولیت‌های محوله دارند، ضروری است که شرایط انتصاب مدیران از قبل تعیین گردد و مطابق آن عمل شود (سید عباس زاده، ۱۳۷۸). در راستای تأیید نتیجه مطالعه حاضر، شکاری، لهرابی گله، تمنایی فر و یزدخواستی (۱۳۸۸) و فرتونک زاده (۱۳۷۸) بر بی ثباتی در مدیریت و برنامه‌ریزی نظام آموزش عالی تأکید نمودند. آن‌ها تغییر مدیران را یکی از چالش‌های مدیریتی می‌دانند که برخاسته از نوسانات سیاسی جامعه می‌باشد و می‌تواند ضرباتی را بر پیکره نظام آموزش عالی و کیفیت برنامه‌های آن وارد کند. این امر باعث می‌شود تا توجه مدیران به سمت

¹ Debackere & Veugelers

² Nelson & Quick

اهداف کمی و کوتاه مدت سوق داده شوند و نظام آموزش عالی را از توجه به نیازهای واقعی و اهداف بلند مدت و کیفی دور سازد. بر این اساس معین (۱۳۸۳) نیز بر ناکارآمدی نظام اداری و کمیت گرایی در فرآیند توسعه به عنوان چالش مدیریت آموزش عالی تأکید نموده است که منجر به عدم تناسب نظام برنامه ریزی توسعه با شرایط علمی، فرهنگی و اجتماعی می شود. بنابراین برای رسیدن به توسعه پایدار در فرآیند تدوین رشته باید به رعایت اولویت کیفیت بر کمیت و یا حداقل تعادل بین این دو توجه نمود.

علاوه بر موارد فوق نتایج حاکی از وجود نوعی تفکر و ذهنیت منفی در تدوین کنندگان رشته نسبت مسؤولین وزارت خانه دست اندر کار این فرآیند است که از نظر آنها نقش چالشی دارد. به زعم این گروه علاقه مندی برخی از مسؤولین وزارت خانه به اولویت ثبت رشته جدید، بنام دانشگاه خود می تواند چالشی در این فرآیند محسوب شود. دهقانی، سید عباس زاده و جعفری ثانی (۱۳۸۸) با تأکید بر اعمال روابط در تصمیم گیری های سازمان های آموزشی بیان داشتند وجود قوانین و مقررات مناسب و رعایت آن در سازمان های آموزشی یکی از راه های نجات یافتن از روابط و اعمال نفوذ در تصمیم گیری هاست. از این رو در آموزش عالی و به خصوص در زمینه ایجاد رشته، قابلیت های مدیریتی، مهم ترین عامل چالشی است که بر روی محوری از ضعف تا قوت واقع شده است یعنی بر حسب میزان اتكای تدوین کنندگان می تواند مسیر تدوین رشته را از شدت تا ضعف تغییر دهد. از آنجاکه بین شیوه های مدیریت دانشگاه و فرآیند تدوین رشته ها رابطه تنگاتنگی وجود دارد، به نظر می رسد مدیران و مسؤولین در گروه، دانشکده، دانشگاه و وزارت خانه نقش مهمی در تسهیل این فرآیند دارند. بنابراین تفویض اختیار، اتفاق نظر و هماهنگی بین گروه های مسئول و همکاری متقابل در اجرای برنامه ها و تحقق اهداف، ضروری است که معیری (۱۳۸۳) نیز به آن اشاره نموده است. نتایج تحقیقات استارک و لاتوکا (۱۹۹۷) نیز نشان می دهد مدیرانی که محیط آموزشی مثبتی را به وجود می آورند در عین ایجاد هماهنگی می توانند انگیزه های قوی برای مدیران برنامه و دانشکده ایجاد می کنند تا برنامه ریزی درسی را جدی بگیرند. بنابراین در دنیای متحول امروز، موفقیت متعلق به سازمان هایی است که بین عملکرد مدیریت و ساختار سازمانی رابطه صحیحی برقرار نمایند.

نتایج اولویت بندی مقوله ها نیز نشان داد در هر دو دسته بندی مقوله ها، چالش های مدیریتی در سومین ردیف و اولویت قرار دارد که به نظر می رسد ضعف در این مورد می تواند مشکلاتی را

ایجاد کند. بر این مبنای استارک و لاتوکا (۱۹۹۷) ضمن تاکید بر هماهنگی آن را یک عامل موافقیت سازمانی می‌داند.

۵- در ارتباط با مقوله‌ی چالش مالی و مؤلفه‌های آن، نتایج حاکی از آن است که در شرایط کنونی برای تدوین رشته از قبل، اعتباری پیش‌بینی نشده است. ازین‌رو دانشگاه‌ها برای تأمین منابع مالی و امکانات موردنیاز، دعوت از متخصصان خارجی برای تدوین برنامه درسی با مشکلات عدیده‌ای در این فرآیند روبرو هستند. در این راستا، سبحانی نژاد و همکاران (۱۳۹۰) بر، عدم وجود سازوکار تأمین مالی و اعتباری مناسب دانشگاهی، مهرمحمدی و همکاران (۱۳۹۰) چالش اقتصادی و ذاکر صالحی (۱۳۸۳) چالش کمیتی و مالی در آموزش عالی تأکید نموده‌اند. بر اساس نتایج مطالعات فوق الذکر به نظر می‌رسد، اگر چه کمبود منابع و ضعف مالی مشکل جدی برای همه دانشگاه‌ها می‌باشد. اما در کشورهای مبتنی بر سیاست اقتصاد آزاد که نقش حمایتی دولت کاهش یافته است تأثیر این عامل کمتر است. در دانشگاه‌های ایران وضعیت مالی سخت‌تر است (روشن، ۱۳۸۸) زیرا در ایران منبع عمده درآمدی دانشگاه‌ها از محل بودجه دولتی تأمین می‌گردد. پیامد این مسئله توقف، حرکت کند و زمان بر فرآیند تدوین رشته می‌باشد که می‌تواند بر کمیت و کیفیت رشته‌ها و حتی توسعه سایر بخش‌های تأثیرپذیر از دانشگاه تأثیری منفی داشته باشد. در تأیید این نکته پاورز و مک دوگال (۲۰۰۵) اظهار داشتند، کم توجیهی به منابع مالی سبب افت شدید فعالیت‌های دانشگاهی می‌شود.

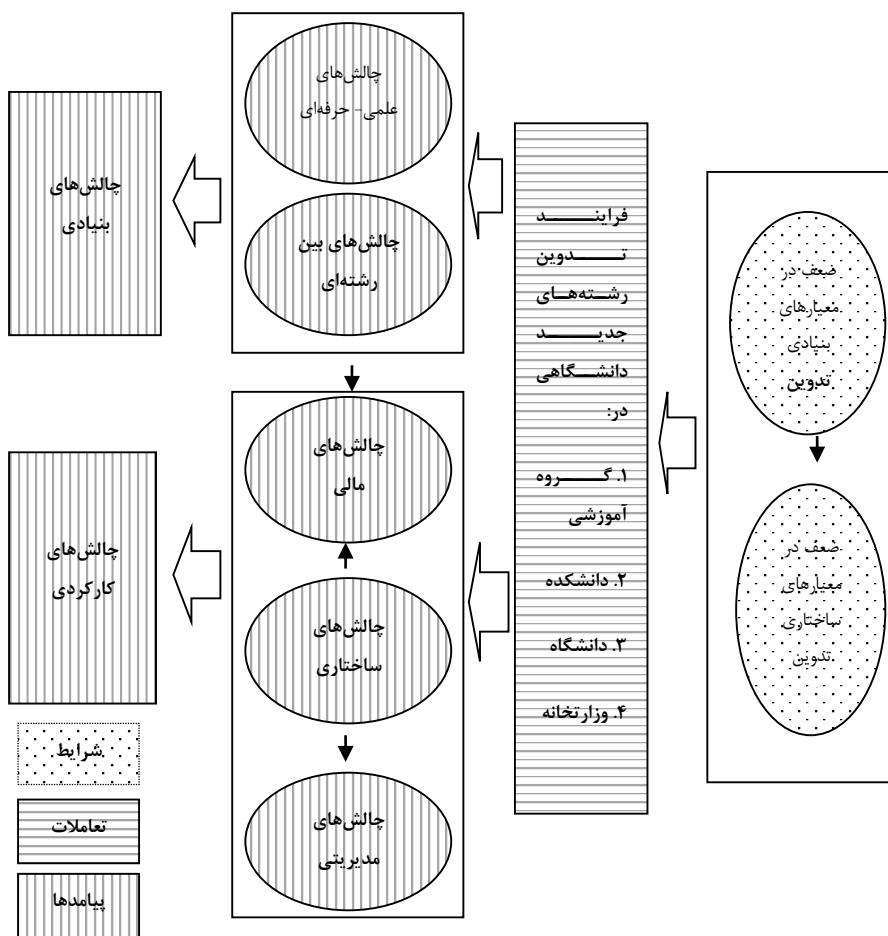
برای کاهش تأثیر این چالش نایبرگ (۲۰۰۳) بر استقلال دانشگاهی و نظام بودجه ریزی توصیه می‌کند زیرا تعدادی از مشارکت کنندگان اعلام نمودند، برخی از اعضای هیئت‌علمی علاقه‌مند به تدوین رشته، برای تأمین هزینه‌های مالی مجبور به استفاده از سرمایه اجتماعی، ارتباطات دوستانه و غیررسمی و توصل به سازمان‌های بیرونی می‌شوند که این روش خیلی پاسخ‌گو نیست. بر این اساس است که سوتیراکو^۱ (۲۰۰۴) می‌گوید کاهش بودجه تخصیص داده شده به دانشگاه‌ها سبب شده است تا دپارتمان‌های آموزشی، در صدد جستجوی منابع خارجی برای تأمین هزینه‌ها باشند.

¹ Powers & McDougall

² Sotiraco

نتایج اولویت بندی مقوله‌ها نیز نشان داد در هر دو دسته‌بندی مقوله‌ها، چالش‌های مالی در دومین ردیف و اولویت قرار دارد که به نظر می‌رسد مشکلی جدی برای همه دانشگاه‌ها می‌باشد. به گونه‌ای که به زعم پاورز و مک دوگال (۲۰۰۵) می‌تواند سبب افت شدید فعالیت‌های دانشگاهی شود.

با توجه به نتایج حاصل از جدول شماره (۱) و توضیحات ارائه شده فوق می‌توان گفت مفهوم و مقوله چالش‌های بنیادی و کارکردنی، مقوله هسته‌ای مفهومی است که می‌تواند کلیه مقوله‌ها و مباحث فوق را پوشش داده و جنبه تحلیلی نیز داشته باشد. بنابراین تدوین رشته‌های جدید دانشگاهی به عنوان یک فرآیند مؤثر در رشد و توسعه کمی و کیفی آموزش عالی می‌تواند بر سایر بخش‌های جامعه تأثیر گذار باشد. از آنجاکه این فرآیند در مراحل مختلف گروه، دانشکده، دانشگاه و وزارت‌خانه تحت تأثیر دو دسته معیارهای بنیادی و کارکردنی قرار دارد که به عنوان شرایط زمینه ساز رشته‌ها محسوب شده‌اند، لذا نتایج پژوهش نشان داد وجود هر نوع مانع و ضعف در این دو دسته عوامل در هر یک از مراحل می‌تواند زمینه ساز شرایطی گردد که خلل در این فرآیند و تعاملات موجود در آن و نهایتاً ظهور چالش‌های علمی- حرفة‌ای، بین رشته‌ای، ساختاری، مدیریتی و مالی را موجب شود. پیامد عمله این وضعیت حضور چالش‌های بنیادی و کارکردنی به متابه مقوله هسته‌ای در فرآیند تدوین رشته است که در جامعه تحت مطالعه در قالب یک مدل پارادایمیک شامل شرایط، فرآیند/ تعامل و پیامد در شکل شماره (۲) ارائه شده است.



شکل ۲: نظریه زمینه‌ای چالش‌های تدوین رشتهدای جدید دانشگاهی

پیشنهادها

با توجه به نتایج این تحقیق مشخص گردید ضعف‌های موجود در تدوین رشتهدای جدید دانشگاهی می‌تواند یک مانع مهم برای توسعه و کیفیت رشتهدای ارتقا و اعتبار بخسی دانشگاهها محسوب شود. بر اساس نتایج پژوهش حاضر، برای برداشتن رفت از این چالش‌ها راهکارهایی پیشنهاد می‌شود که عمدت‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

الف- برای برون رفت از چالش های علمی:

۱- راه اندازی شبکه اعضای هیئت علمی یک رشته در ایران و غنای تدوین و اجرای برنامه درسی رشته جدید

۲- ایجاد و راه اندازی انجمن علمی مدرسان یک رشته و تفویض برخی از اختیارات تدوین رشته به آنها

ب- برای برون رفت از چالش های ساختاری:

۳- تأمین استقلال عملیاتی دانشگاه های بر جسته و تمرکز زدایی آنها برای تدوین و طراحی برنامه درسی رشته ها

۴- مکانیزه نمودن فرآیند تدوین رشته برای کوتاه نمودن زمان تدوین رشته

ج- برای برون رفت از چالش های مدیریتی:

۵- تنظیم آیین نامه های تدوین و راه اندازی رشته و شفاف سازی قوانین

۶- شفاف سازی سیاست های مدیران دانشگاه و وزارت خانه

د- برای برون رفت از چالش های مالی:

۷- بسترسازی فرهنگ پذیرش تدوین رشته به عنوان بخشی از وظایف پژوهشی اعضای هیئت علمی

۸- معرفی اقدامات دانشگاه های کارآفرین در تأمین مالی تدوین رشته

فهرست منابع:

- اعتمادی زاده، هدایت الله. (۱۳۹۰). تبیین پژوهش میان رشته‌ای در آموزش عالی، قوت‌ها، خصوصیات، تهدیدات و پیش‌بایست‌ها، پایان نامه دکتری برنامه‌ریزی درسی (چاپ نشده). اصفهان: دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان.
- امیریان زاده، مژگان و شفیع زاده، حمید. (۱۳۹۱). چالش‌های آموزش عالی ایران در هزاره سوم، مندرج در: آموزش عالی؛ چالش‌ها و راهبردها، تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- بختیار نصرآبادی، حسنعلی. (۱۳۹۰). امکان سنجی و الوریت بنای رشته‌های بین رشته‌ای از دیدگاه اعضای هیئت علمی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه آزاد نجف آباد. طرح پژوهشی. دانشگاه آزاد نجف آباد.
- برقی، عیسی؛ ملکی، حسن؛ عباس‌پور، عباس؛ زارعی زوارکی، اسماعیل و سراجی، فرهاد. (۱۳۹۳). طراحی و اعتباریابی الگوی مطلوب برنامه‌درسي مساله محصور در دانشگاه‌های الکترونیکی؛ مطالعه ترکیبی. دو ماهنامه راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، ۷(۱): ۶۹-۶۳.
- حاتمی، جواد. (۱۳۸۸). چالش‌های آموزش رشته‌های علوم انسانی در دانشگاه‌های ایران: یک مطالعه کیفی. مجموعه مقالات نهمین همایش سالانه انجمن مطالعات برنامه درسی ایران. صص ۱۹-۱.
- دهقانی، مرضیه؛ سیدعباس زاده، میرمحمد؛ جعفری ثانی، حسین. (۱۳۸۸). چالش‌های ملکیریتی در اجرای برنامه درسی دانشگاه‌ها در مقایسه با آموزش و پرورش. مجموعه مقالات نهمین همایش سالانه همایش سالانه انجمن مطالعات برنامه درسی ایران. صص ۱۴۲-۱۲۲.
- ذاکر صالحی، غلامرضا (۱۳۸۳). دانشگاه‌های آینده. دایره المعارف آموزش عالی. بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.
- روشن، احمد رضا. (۱۳۸۸). رهیافت‌هایی برای تأمین مالی دانشگاه‌ها. اولین کنفرانس بین‌المللی توسعه نظام تأمین مالی در ایران.
- زین‌الدینی میمند، زهرا؛ موسی‌پور، نعمت‌الله و جوادی، یدالله (۱۳۸۷). آمادگی اعضای هیئت علمی برای پذیرش برنامه‌ریزی درسی غیرمتمرکز در آموزش عالی ایران. همایش تمکز و عدم تمکز در فرآیند برنامه‌ریزی درسی. تهران: پژوهشکده مطالعات آموزش و پرورش.

سبحانی نژاد، مهدی؛ رهنما، اکبر و شاه حسینی، نجیبه (۱۳۹۰). بررسی چالش‌های تحقیق نظام مصوب برنامه‌ریزی درسی غیر مرکز دانشگاهی از دید اعضای هیئت‌علمی رشته علوم تربیتی دانشگاه‌های دارای هیئت ممیزه شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۸۸-۸۹. پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی. ۵۹-۶۸.

سلسیلی، نادر. (۱۳۸۶). گذار نظام برنامه‌ریزی درسی ایران به سمت عدم مرکز در طراحی و تدوین برنامه درسی، با تأکید بر برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر مدرسه. *فصلنامه مطالعات برنامه درسی*. ۱(۴): ۶۸-۶۹.

سید عباس زاده، میر محمد (۱۳۸۷). مسائلی در مدیریت دولتی ایران. ارومی: انتشارات دانشگاه ارومیه. سیلور، جی گالن، الکساندر، ولیام آم. و لوئیس، آرتور جی. (۱۳۷۸). برنامه ریزی درسی برای تدریس و یادگیری بهتر. *ترجمه غلامرضا خوی نژاد. مشهد: آستان قدس رضوی*. شrifif، مصطفی (۱۳۹۰). برنامه درسی، گفتمان نظریه، پژوهش و عمل برنامه درسی پیش‌فتگرا. اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی.

شریفیان جزی، فریدون (۲۰۱۰). تبیین برنامه درسی مشارکی در دوره تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های مورد مطالعه: اصفهان و صنعتی اصفهان. پایان نامه دکتری برنامه ریزی درسی (چاپ نشده). اصفهان: دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان.

شکاری، عباس؛ لهرابی گله، یعقوب؛ منایی فر، محمدرضا؛ یزدخواستی، یزدخواستی (۱۳۸۸). چالش‌های برنامه درسی آموزش عالی در راه جهانی شدن با تأکید بر مرکزیت: چشم اندازی جدید. مجموعه مقالات نهمین همایش سالانه همایش سالانه انجمن مطالعات برنامه درسی ایران. صص ۱۰۷-۹۶.

فتحی واجارگاه، کوروش؛ موسی پور، موسی؛ یادگارزاده، غلامرضا. (۱۳۹۳). برنامه‌ریزی درسی آموزش عالی. تهران: مهریان نشر.

فرتوکزاده، حمیدرضا (۱۳۷۸). چالش‌های مدیران در آغاز هزاره سوم، تدبیر: ۱۰۰. قدیمی، سعید؛ محمدی نژاد، بهزاد. (۱۳۹۰). شیوه نامه تدوین و بازنگری برنامه درسی. تهران: الغدیر. کافمن، راجر؛ هرمن، جرج (۱۳۸۲). برنامه‌ریزی استراتژیک در نظام آموزشی. ترجمه فریده مشایخ و عباس بازرگان، تهران: مدرسه.

گال، مردیت، بورگ، والتر و گال، جویس (۱۳۸۳). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی (احمدرضا نصر و همکاران، مترجم). تهران: دانشگاه شهید بهشتی و سمت.

معین، مصطفی. (۱۳۸۳). موانع توسعه علمی. دائمه المعارف آموزش عالی. بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.

ملکی، حسن. (۱۳۸۸). برنامه‌ریزی درسی. مشهد: پیام اندیشه.

مهرمحمدی، محمود؛ احمدی، آمنه و موسی‌پور، نعمت‌الله. (۱۳۹۰). الگوی نظری زیرنظام برنامه‌ریزی درسی و آموزش، مجموعه مقالات اولین همایش ملی تحول بنیادین در نظام برنامه درسی ایران. صص ۹۳-۱۱۰.

مهرمحمدی، محمود و همکاران. (۱۳۸۸). برنامه درسی: نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم‌اندازها، ویراست دوم، تهران: سمت

نادری بنی، ناهید. (۱۳۹۲). بررسی نقش فعالیت‌های اصلی و پشتیبانی دانشگاهی در کارآفرینی دانشگاه‌های دولتی ایران و اراده الگوی دانشگاه کارآفرین. پایان نامه دکتری مدیریت آموزشی (چاپ نشده). اصفهان: دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان.

نصر، احمد رضا، اعتمادی زاده، هدایت‌الله؛ نیلی، محمد رضا (۱۳۹۰). رویکردهای نظری و عملی تدوین برنامه‌های درسی در آموزش عالی. تهران: سازمان سمت.

نصر، احمد رضا؛ اعتمادی زاده هدایت‌الله و نیلی، محمد رضا (۱۳۸۷). برنامه درسی و طراحی درس در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی. اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی.

نصر، احمد رضا، مونیذر، این سولو، کامرون، یسون. (۱۳۹۱). مراحل و معیارهای تدوین، تصویب و ارزشیابی درس جدید در دانشگاه‌های استرالیا. دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، سال ۳، شماره ۶، ص ۲۸-۷.

نوروززاده، رضا؛ فتحی و اجارگاه، کورش. (۱۳۸۷). درآمدی بر برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی. تهران: موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

نیلی، محمد رضا. (۱۳۸۸). برنامه درسی پاسخگو در آموزش عالی: مطالعه موردی دانشگاه‌های دولتی اصفهان. پایان نامه دکتری برنامه‌ریزی درسی (چاپ نشده). اصفهان: دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان.

- Ahonen, S.-M. and E. Liikanen. (2009). Development and challenges of a new academic discipline, radiography science. European Journal of Radiography. 1(3): p. 81-84.
- Avizhgan, M. Mirshah Jafari, A., Nasr, A.R & Changiz, T. (2015). Curriculum leadership in the postgraduate: Gap between current and optimal status. Journal of Research in Medical Sciences, 2015. 20(4).
- Bromme, R. (2000). Beyond one's on Perspective: the psychology of cognitive interdisciplinary. In: Weingart, P. & Stehr, N. (ed.). Practicing Interdisciplinarity. Toronto: University of Toronto Press, 115- 1330
- Burton, N & Middlewood, D. (۲۰۰۱). Managing the Curriculum. California: Sage Publications Ltd.
- Carter, L., Ulrich, D., Goldsmith, M. (2012). Best practices in leadership development and organization change: how the best companies ensure meaningful change and sustainable leadership. Vol. 18. 2012: John Wiley & Sons.
- Davies, P.& Delvin, R. (2006). Disciplines and the Outcomes of Learning in Social Science Education. Journal of Social Science Education. 5(2): 25-47.
- Debackere, K. & Veugelers, R. (2005). The role of academic technology transfer organizations in improving industry science links. Research policy, 34 (3): 321- 342.
- Diamond, R.M. (2000). Designing and improving courses and curricula in Higher Education: A systematic approach. ERIC.
- Glaser, B. (2001). The Grounded Theory Perspective:Conceptualization Contrasted With Description. Sociology Press.
- Glied, S. et al. (2007). Institutional Challenges of Interdisciplinary Research Centers. Journal of Research Administration. 38 (2), 28- 36.
- Goldfinch, T, Carew, A., David Cook.Ch, Olivares, P & Cooper, P et al (2008). Initiating curriculum Review: The Chilean Experience. In: Scott, P. & Watson, D. (2004). Managing the Currilum. Backingham: SRHE and Open University press.
- Hicks, K. (2007). Curriculum in higher education in Australia– Hello? Paper presented at 30th HERDSA Annual Conference. 8-11 July 2007 Adelaide, Australia. Available at: www.herdsa.org.au/wpcontent/uploads/conference/2007/PDF/R/p227.
- Jakab, E. & Lukic, J. (2005). Disciplinization: Process and problematic. A comparative of eight European countries, Central European University Foundation, Hungary.

- Klein, J. T. (2010). *Creating Interdisciplinary Campus Cultures: A Model for Strength and Sustainability*. Jossey- Bass Publication, San Francisco.
- Kvale, S. & Brinkman, S. (2009). *Interviews: Learning the Craft of Qualitative Research Interviewing*. (2E). Sage Publications.
- Lattuca, L.R. and Stark, J.S. (2011). *Shaping the college curriculum: Academic plans in context*. John Wiley & Sons.
- Miller, M. & Boix Mansilla, V. (2004). Thinking across perspectives and disciplines, interdisciplinary Studies Project, Project Zero. Harvard Gradutes School of Education.
- Morin, E. (1994). *Interdisciplinary and Transdisciplinary Transversals*. Science, Culture. 29: 4-8.
- Nelson, D. L.V. & Quick, J. (2008). *Organization Behavior*. (5 ed), Thomson, South Western.
- Nggaard, C., Hojlt, T. & Hermansen, M. (2008). Learning – based Curriculum Development. High Education, 55: 33-50.
- Nyborg, P. (2003). The Bologna Process and Global Challenges in Higher Education International Representative. Norwegian council for Hegher Education.
- Patton, M. (2001). *Qualitative Research & Evaluation Methods*. London: Sage Publication Ltd.
- Powers, J.B. & McDougall, P.P. (2005). University Start- up Formation and Technology Licensing with Firms that Go Public: A Resource- based View of Academic Entrepreneurship. *Journal of Business venturing*, 20 (3): 291-311.
- Riegler, A. (2005). Inclusive world views: Interdisciplinary Research from a Radical Constructivist Perspective. In: Aerts, D, et al, *Worldviews, Science and Us: Redemarcating knowledge and its social and ethical implications*. World Scientific: Singapore.
- Sabar,N. (1989). School- Based Curriculum Development. *International Encyclopedia of Education*: Supp.Vo 1.
- Schwab, J. (1968). *The Practical: A Language for Curriculum*. School Review.
- Short, E. C. (1982). Curriculum Developement and Organization. *Encyclopedia of Edmcational Research*. V: 1.
- Silverman, D. (2005). *Doing Qualitative Research*. London: Sage Publication.

- Sotiraco T. (2004). Coping with conflict within entrepreneurial university: Threat or challenge for head departments in the UK higher education context. International Review of Administrative Sciences. 70(5): 345-372.
- Squires, G. (1975). Interdisciplinary. London: Nuffield Foundation Group for Research & Innovation in Higher education.
- Stark, J. (1997); Program Level Curriculum Planning. Journal Research in Higher Education, Vol. 1.
- Stark, J., Lattuca, R. (1993). Diversity Among Disciplines: The Same Goals for All. New Directions for Higher Education.
- Thurab- Nkhosi, D. & Marshall, S. (2009). Quality Management in Course Development and Delivery at the University of the West Indies. Distance Education Centre. Qual Assur Educ. 17(3): 264-280.
- Toohey, S. (2000). Designing courses for higher education.: McGraw-Hill Education (UK)
- Torin, M (2005). Globalization, Technological change, and Higher Education. New York: Rutledge.
- Weingart, N. & Stehr,N. (2000). Practicing Interdisciplinary (Eds.). Toronto: University of Toronto Press.